



چگونه باید بود؟

گاهنامه فرهنگی - اجتماعی حورا
سال اول - شماره اول - فروردین ۹۹
دانشگاه علوم پزشکی اراک

زنان در سپهر سیاسی

آینده دختران ایران

رانت اجتماعی علیه جمعیت

حقوق زن در قانون اساسی

تبعیض جنسیتی



زنان در سپهر سیاسی

دینی متولد کرد. چنین تلاشی در موضوعات اجتماعی مانند حوزه زنان نیز قرار بود به وقوع بپیوندد؛ به این صورت که الگویی سوم از زن ارائه شود که زن نه مانند مفهوم غربی، ابزار لذت جویی و تامین نیاز در جامعه باشد و از خانواده غافل شود و نه در مفهوم شرقی موجودی مهجور و در خودمانده باشد که حضور اجتماعی خود را از یاد ببرد. در صورت نتیجه دادن این تلاشها امروز میبایست شاهد فراگیری الگوی سوم یعنی پیوند نقش خانوادگی با نقش اجتماعی و سیاسی در بانوان جامعه میبودیم؛ در حال حاضر اگر چه پیشرفت هایی در

این زمینه حاصل شده اما قطع به یقین به آن نقطه ی مطلوب و آرمان خود نرسیده ایم. به راستی در تحولات امروز، جایگاه زنان در مناصب سیاسی به چه شکل است؟ شکل مطلوب آن چیست؟ تفاوت تاثیر و حضور چیست؟ یا بهتر هست به اصل



زادگاه این سوال برگردیم و بپرسیم اساسا چرا زنان باید در مناصب سیاسی حاضر باشند؟ اگر به ترکیبی بودن جامعه در داشتن دو جنسیت مونث و مذکر معتقدیم و از طرفی به تفاوت این دو گونه در ساختار ذهنی و فیزیکی، سبک مدیریتی، زاویه دید و انواع نیاز باور داریم، پس به شکل پیش فرض به حضور زنان در جایگاه های سیاسی برای تصمیمگیری و تصمیم سازی نیز اعتقاد داریم؛ چرا که ممکن نیست سیاستی اتخاذ شود که نفع و ضرر نیمی از جامعه در آن در نظر گرفته نشود. حضور زنان به عنوان تصمیم گیر و تصمیم ساز برای جامعه نه با نگاه برابری زن و مرد که اتفاقا با دلیل تفاوت دو جنس لازم است.

زنان زینت المجلس و تزینتی یا زنان دسیسه چین و فتنه گر، سنتی ترین و در عین حال نازلترین تصویری است که از زنان در مناصب سیاسی نقش بسته است؛ به این صورت که در گذشته یا همین حال در برخی از کشورها، زنان در عالیترین مقام سیاسی حضور پیدا میکنند که این حضور بر اساس مناسبات خانوادگی و ارتباط سببی یا نسبی با مردان است مانند ملکه یا همسر شخص اول کشور اما در عین حال فاقد اثرگذاری هستند و صرفا جایگاه زینتی و ظاهری دارند. حالت دوم، نقش تاریخی زنان در اتفاقات سیاسی، به اصطلاح در

پشت پرده بود که بر تصمیم مردان در صحنه اثر می گذاشتند. معروفترین قصه تاریخی که در این باره شنیدیم نقش مادر ناصرالدینشاه در قتل امیرکبیر است و نمونه معاصر آن نقش اعضای خانواده مرحوم هاشمی در کنش سیاسی وی. حالت اول مصداق

بارز حضور بی خاصیت است و حالت دوم مصداق تاثیر نامبارک که نشان میدهد هرگز نمیتوان نقش زنان را انکار کرد و از بین برد اما میتوان درصدد طراحی راهی نو و در واقع راه سوم بود.

انقلاب اسلامی و ایجاد راه سوم

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهمترین تحولات سیاسی اجتماعی قرن اخیر سعی در ارائه تصویری نوین و برگزیدن راه میانه هم در مسائل سیاسی و هم در مسائل اجتماعی داشت. نفی رویکرد شرقی و غربی و تلاش برای پیوند میان رویکرد مردمی و اسلامی در حکومت داری، مفهوم نوینی را تحت عنوان مردم سالاری



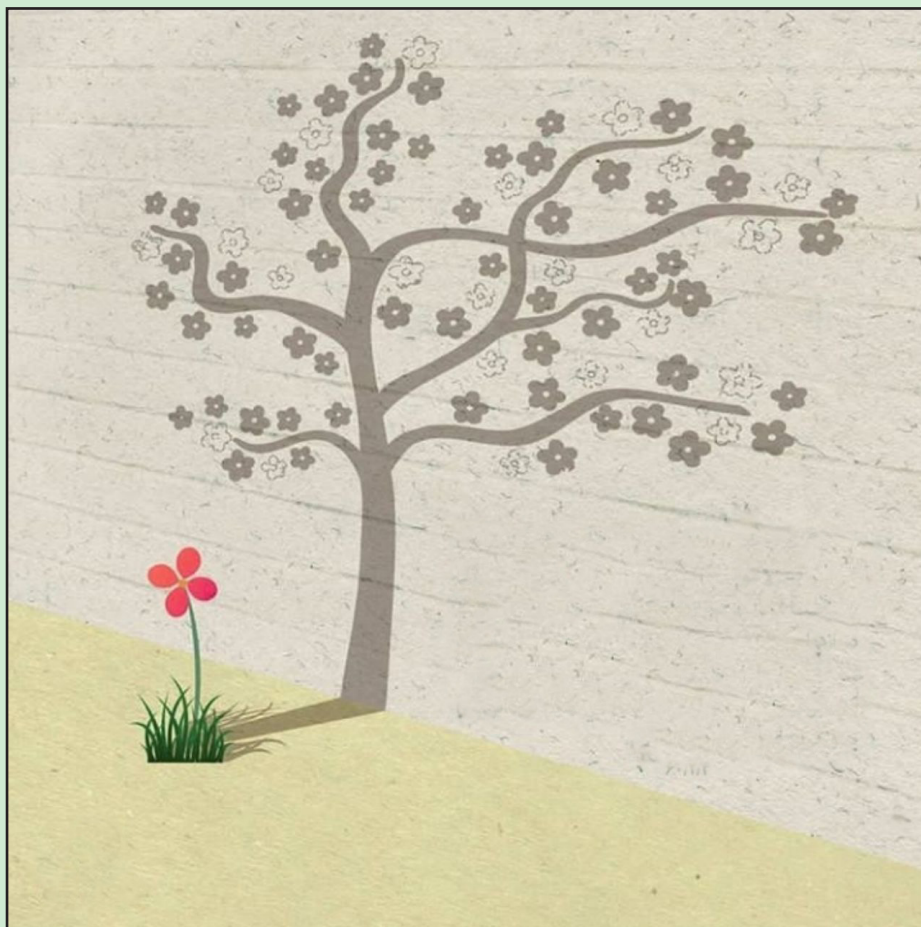
در این نشریه می خواهیم از مشکلات دختران بگوئیم، از دغدغه هایشان بنویسیم و داستانهایشان را روایت کنیم، از عمق دنیای لطیف دخترانه مان، از اصالت وجودمان، ظرافت های زنانه مان و از اهمیت تفکری که داریم (زن) تنها خود به راهی نمی رود، مرد ها را در آن راه می برد، اهمیت تفکر زنان در جامعه در این است)^۱

پس باید بگویم این نشریه صرفا برای ما دختران نیست و اکنون زمان آغاز است زمان شکفتن

و وقت آن رسیده است که بیشتر با حقوقمان آشنا شویم و آنچه درست و حق است را به دنیا نشان دهیم ما بر آنیم تا راهی بسازیم راهی به سوی روشنایی و ایستادگی ما دختران ایران زمین یا راهی خواهیم یافت یا راهی خواهیم ساخت.

"زها عیوض فروردین ۹۹"

آینده ی دختران ایران



آینده ی روشنی پیش روی فرهنگ و تعالی کشورش دیده میشود اگر و تنها اگر نگاه جامع و همه جانبه ای به جایگاه مقدس خانواده در بین همه مسئولین کشور باشد. نگاهی که منجر به ابلاغ سیاست‌های کلی خانواده "به سه قوه گردیده است و نشان از بررسی و آینده نگری دقیق اوضاع، فرهنگ و اجتماعی کشور در سالهای آتی دارد.

بی شک "خانواده" به عنوان بنیادی ترین بخش اجتماع باید در راس توجه کلیه سیاستگذاران و متولیان امور اجرایی باشد و نگاه به زن بدون در نظر گرفتن نهاد مقدس خانواده نگاهی ناقص و معیوب است.

در واقع « سیاست‌های کلی خانواده » به نوعی تاکید دوباره بر هویت اصلی زن مسلمان است که قطعا در چارچوب خانواده و با عنوان نقش مهم همسری و مادری معنا می‌یابد. شرایطی که سایه شوم طلاق بر سر کلان شهرها سایه انداخته و مسائلی چون بی کاری، تورم، اقتصاد و متاسفانه فقر فرهنگی در حل و فصل مشکلات خانوادگی جایگاه خانواده را متزلزل ساخته، تنها نقشه ی راه کاملی چون سیاست‌های کلی خانواده با تاکید بر اجرایی شدنش می‌تواند گره از ریسمان به هم تابیده آسیب‌های اجتماعی باز کند.

اصول ۱۶ گانه ای که با تاکید بر ایجاد جامعه ای خانواده محور، تقویت و تحکیم خانواده بر پایه الگوی اسلامی، صیانت از خانواده و جامعه، ایجاد نهضت فراگیر ملی

عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان، حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌ها با سرپرستی زنان و ایجاد ساز و کارهای لازم برای ارتقای سلامت باروری و افزایش فرزندآوری از دیگر بندهای سیاست‌های کلی نظام خانواده است. سیاست‌های کاملی که در انتظار بیداری و هوشیاری مسئولین در حوزه‌های مختلف قانونگذاری، اجرا و نظارت است.

زنان و دختران این سرزمین لایق بهترین‌ها هستند. بهترین‌هایی که زندگیشان را غرق آرامش و امنیت کند و آینده ی قابل اعتمادی برای آنها بسازد. قطع به یقین تمام دختران و زنان خواستار حفظ کیان خانواده هستند.

برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و در جهت تحکیم بنیان خانواده نوشته شده است.

همچنین فرهنگ سازی و تقویت تعاملات اخلاقی، مقابله موثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی، بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده و ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آنها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن از دیگر موضوعات مطرح شده در این سیاست‌ها است.

ساماندهی نظام مشاوره ای و آموزش برای تشکیل خانواده، حمایت از

حقوق زن در قانون اساسی

و معنوی از قبیل استقلال مالی و اقتصادی، علم و دانش، مشورت و موارد متعدّد دیگر، دلیل اعتنای جدی اسلام به شخصیت زن است.^۲

از منظر قرآن و دین اسلام زن و مرد هر دو انسان هستند و اقتضای این تساوی این است که از حقوق مساوی برخوردار باشند و تبعیض ناروا بین آنها نباشد و تفاوت حقوقی در بعضی موارد و وجود احکام خاص قرآنی به اقتضای تفاوت خصایص زن و مرد است. با مدنظر قرار دادن این مطالب است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه

برای همه در تمام زمینه های مادی و معنوی»^۳ و تصریح آن به «تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد»^۴ و حمایت قانونی از افراد اعم از زن و مرد با رعایت حدود و موازین اسلامی»^۵ پرداخته است. بنابراین حمایت از زنان و مادران که در این اصل روی آن تأکید شده مشمول آن خطوط و اصول کلی است.

فعال حیات می باشد. و در واقع ضمانت اجرای نوید مذکور بند (۱) اصل بیست و یکم قانون اساسی است. مسأله شخصیت دین زن در



اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت را موظف به تضمین حقوق زن در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی کرده است، و محورهای ذیل را مورد اهتمام قرار داده است:

- ۱- ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت و حمایت از کودکان بی سرپرست.
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
- ۵- اعطای قیمومیت

فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی. در دیباچه قانون اساسی آمده است: «زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون در نظام طاغوتی متحمل شده اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود». و باز در دیباچه قانون اساسی، با ذکر مصیبت استثمار همه جانبه خارجی در نظام گذشته نسبت به انسانهای این مرز و بوم برای ارزیابی شخصیت زن، این نوید را داده است که: «زن از حالت شیء بودن و یا ابزار کار بودن، در اشاعة مصرف زدگی خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر مادری در پرورش انسانهای مکتبی پیش آهنگ بوده و خود، هم‌رزم مردان، در میدانهای

اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است. قرآن کریم سیمای زن را با احترام ترسیم نموده و زن و مرد را از منشأ واحد دانسته و بدین وسیله، برای او در کیان شخصیت بشری قائل به مساوات شده است. یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بئ منهم رجلاً كثيراً و نساءً.^۱ «بدین ترتیب می توان چنین استنباط نمود که قرآن جایگاه زن را در نظام حقوقی انسانها، در مرتبه ارزشمندی قرار داده است و آیات و روایات متعدد در زمینه های مادی

۲- هاشمی، دکتر سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۵۲۷

۳- بند ۹، اصل سوم قانون اساسی

۴- بند ۱۴، اصل سوم قانون اساسی

۵- اصل بیستم قانون اساسی

۱- نساء: (۱)

رانت اجتماعی علیه جمعیت



زمانی که سال های پیش در خانواده های سنتی ایرانی از امکان کار کردن زن در خارج از خانه و امکان برپایی فعالیت اجتماعی زنان صحبت میشد، جبهه گیری های شدید التقاطی صورت می گرفت و شروع به بیان احادیثی می کردند که منابع موثقی هم نداشتند. خانواده های غیر مذهبی هم تمایلی به کار کردن زنان نداشتند.

اما با گذشت زمان، شاهد حضور گسترده زنان در عرصه های متفاوت شدیم و شاهد تصرف پست ها و جایگاه های متفاوت در عرصه های مختلف بودیم تا جایی که چندین سال است که تعداد زنان شرکت کنندگان در کنکور سراسری و پذیرفتگان در دانشگاه ها از مردان پیشی گرفته است و این فاصله سال به سال در حال افزایش است.

موقعیت های اجتماعی برای زنان آغوش گشود، ولی جامعه اجباری برای پذیرش ضمیمه های این جایگاه را درک نکرد و نتوان اجتماعی شدن توسط زنان علی الظاهر پرداخت نشد.

به طور مثال، در خانواده وظیفه ی تامین معاش «فقط» بر عهده مردان ماند، سربازی که عامل بزرگی در مقابل پیشرفت علمی و شغلی مردان است «فقط» برای مردان ماند، وظیفه حفاظت از جایگاه بیرونی خانواده فقط بر عهده مردان ماند و ادامه تحصیل در رشته دلخواه هم به انحصار زنان درآمد زیرا مردان می بایست در رشته هایی به ادامه تحصیل بپردازند که بتوانند بعد از تحصیل حتما وارد چرخه کار شوند.

این «رانت اجتماعی» زمینه را برای صعود (نه پیشرفت) زنان در عرصه های مختلف اجتماعی فراهم ساخت. اما مردان با توجه به وظایف اجتماعی که سابقا بر عهده آنان بوده و بسیاری از آن وظایف هم به درستی برای آنان طراحی شده، از کورس جا ماندند.

حال زنان پله های صعود را طی می کردند و مردان هم نسل این زنان عقب می مانند. این عقب افتادگی سبب این می شود که مردان این نسل ازدواج خود را با نسل بعد از خود انجام دهند و میانگین سن ازدواج زنان با صعود چشم گیری روبه رو خواهد شد. ناخودگاه نسل اول اصلاحات اجتماعی در حوزه زنان از

۵۰٪-۵۰٪ را در جامعه رواج داد که نتیجه

آن نابودی بنیان وجودی خانواده بود اما راهکار نهایی بازگشت به خانواده است. متأسفانه ارزش وجودی خانواده در شرایط فعلی نادیده گرفته شده و مفهومی به نام زن خانه دار آنچنان مورد هجمه قرار گرفته و بی ارزش تلقی می شود که برخی از زنان خانه دار از این شغل خود احساس ضعف می کنند. راهکار اصلی اصالت بخشی دوباره به جایگاه خانواده است. برای زن خانه دار که فردی تاثیر گذار در جامعه است، باید امتیازات ویژه قائل شد از جمله تخصیص حقوق به شخص خانه دار و همچنین از میان برداشتن رانت های اجتماعی ضد جمعیتی که در بالا به آن اشاره شد برای افرادی که خانه دار نیستند.

راهکار دیگر برای جلوگیری از کاهش جمعیت و حفظ بنیان خانواده گرفتن اصالت از ادبیات حقوقی در خانواده و اشاعه گفتمان اخلاق محور است، در دین اسلام نیز مفهومی به نام مالکیت فردی در خانواده بین زن و مرد وجود ندارد. مالکیت فردی در خانواده محصول موج دوم فمینیست در جامعه بشری است. همان موجی که یکی از عواقبش زندگی fifty_ fifty است.

ازدواج محروم ماندند.

حال اگر زنان نسل بعد مجبور نشوند، که رانت های دوران قبل از اجتماعی شدن را کنار بگذارند، نتیجه این اصلاح اجتماعی کاهش چشم گیری جمعیت ایرانمان خواهد شد و طبیعتا با مشکلات مختلف در زمینه هایی از جمله نیروی کار، امنیت و... رو به رو خواهیم شد.

از سوی دیگر عدم ازدواج زنان و یا ازدواج در سنین بالا زنان، احتمال تولد فرزند با مشکلات ژنتیکی و همچنین مشکلات عیدیه ای در حوزه سلامت روان را باعث خواهد شد.

در واقع هر چه هم ما قانون تسهیل ازدواج بگذاریم در روند رشد جمعیت و افزایش ازدواج های ثبت شده و همچنین کاهش طلاق ها موثر نخواهد بود، زیرا بنیان های فرهنگی دگرگون شده است. بر اساس آمار دفتر سرشماری و جمعیت مرکز آمار ایران، در ۳۰ سال آینده ۳۰ درصد جمعیت ایران را سالمندان تشکیل خواهند داد.

اما جامعه فعلی سه راهکار دارد:

- ۱- ادامه روند رانت و نابرابری
- ۲- قدم نهادن در مسیری که دنیای غرب سال های پیش امتحان کرد که فرهنگ

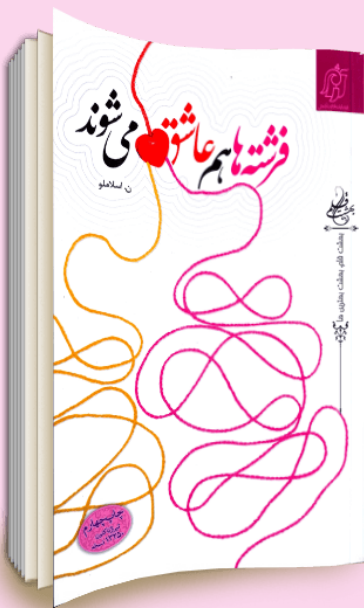
چگونه باید بود؟

معرفی کتاب

فرشته ها هم عاشق می شوند

رمانی است که به مقایسه دغدغه های زن امروز و زن دیروز می پردازد. در این مجموعه ضمن ورود به فضای رمان و تخیل، بخش هایی از کتاب به صورت مستند روایت شده است.

نام شخصیت اصلی این کتاب فرشته است که در طول داستان به کمال نزدیک و نزدیک تر می شود و با پاکدامنی و تقوایی که به خرج می دهد، عشق پاک خود را به تصویر می کشد.



و سرمایه اش را از اسلام گرفته است؛ و زنی که در این جامعه می خواهد "خود"ش باشد و "خود"ش را بسازد و یک بار دیگر متولد شود؛ و در این تولد جدید (رنسانس)، خود مامایی خود باشد و نه ساخته ی "وراثت" و نه پرداخته ی "تقلید". نمی تواند از اسلام بی نیاز و نسبت به آن بی تفاوت بماند و بنابراین طبیعی

است که این سوال به مغزش خطور کند که:

مردم ما همواره از فاطمه دم میزنند و هر سال دهه ها برایش می گریند اما با این همه چهره ی او شناخته نیست و آنچه باید از فاطمه آموخت، هیچ! و در نقشی که شخصیت او در زندگی و سرنوشت پیروانش دارد، تنها و تنها، شفاعت و آن هم در قیامت و همه ی داستان های از این قبیل است.

اما فاطمه این گویاترین عبارتی ست که می توان برای توصیف یک فرا قهرمان زن به کار برد در عین حال مبهم است چرا که فاطمه بودن یک خاصیت منحصر به فرد است. اما وقتی این خاصیت شناسانده شود روح تمام زنان و مادران رنگی دیگر می گیرد. رنگ انسانیت، حق جویی، مهر و همه خوبی هایی که می توان در وجود اشرف مخلوقات الهی یافت.

فاطمه وارث تمام خاندانش، وارث اشرافیت نوینی که نه از خاک و خون و پول، که از پدیده ی روحی است؛ آفریده ایمان و جهاد و انقلاب و اندیشه و انسانیت و ... بافت زیبایی از همه ی ارزش های متعالی. و محمد که به تاریخ بشریت پیوند خورده و وارث ابراهیم است و نوح و موسی و عیسی، و فاطمه تنها وارث او.^۱



در جامعه ما زن به سرعت عوض می شود. جبر زمان و دست دستگاه هردو او را از "آنچه هست" دور میسازد و همه ی خصوصیات و ارزش های قدیمیش را از او می گیرد تا از او موجودی بسازند که "می خواهند" و "می سازند" و می بینیم که "ساخته اند!"

این است که حادث ترین سوالی که برای "زن آگاه" در این عصر مطرح است، این است که: چگونه باید بود؟، زیرا می داند که بدان گونه که "هست" نمی ماند و نمی تواند بماند و از سویی، ماسک نوی را که می خواهند بر چهره ی قدیمش بزنند، نمی خواهند بپذیرد. می خواهد خود تصمیم بگیرد، "خوشتن جدید"ش را خود انتخاب کند. چهره ی جدیدش را خود آگاهانه و مستقل و اصیل آرایش کند، ترسیم نماید. اما نمی داند "چگونه؟".

نمی داند این چهره ی انسانی اش_که نه آن "قیافه موروثی" است و نه این "ماسک بزرگ کرده ی تحمیلی و تقلیدی" _ چه طرحی دارد؟ شبیه کدام چهره است؟ و سوال دومی که که از آن منشعب می شود، این است که:

ما مسلمانیم. زن جامعه ما_ که می خواهد به سرحد استقلال و انتخاب خویش برسد_وابسته به یک تاریخ، فرهنگ، مذهب و جامعه ای است که روح

بخشی از این کتاب را با هم می خوانیم:

امیر الیاسی بعد از شنیدن حرف های من سکوت کرد. شاید حدود ۳۰-۴۰ ثانیه و بعد گفت: خانم حق جو شما میدانید عشق یعنی چه؟

زبانم بند آمده بود نمی دانستم چه بگویم، شاید اگر چند ماه پیش آن سوال را از من پرسیده بود می گفتم نه! نمی دانم یعنی چی اصلا هم نمی خواهم بدانم یعنی چی.

ولی آن موقع میدانستم یعنی چی. می فهمیدم چه می گوید. خودم درگیرش شده بودم. درکش می کردم. می خواستم به او بگویم: آره می دونم یعنی چی. من خودم عاشق شدم. خودم گرفتارم ولی...

شرکت پنتون به عنوان تعیین کننده غیر رسمی رنگ سال، شهرت جهانی دارد و از سال ۲۰۰۰ به بعد هر ساله رنگ خاصی را به عنوان «رنگ سال» معرفی می کند. همچنین شرکت رنگ پنتون یا پنتون معروف ترین تاثیر گذارترین کمپانی رنگ، مجموعه ای از رنگ ها را به عنوان رنگ بهار و تابستان سال ۲۰۲۰ در دنیای مد و فشن معرفی کرده است؛ قرمز، زرد زعفرانی، آبی، سبز چمنی، سبز تره و پیازچه، آبی جین، پرتقالی، نیلی، کرم، صورتی مرجانی، دارچینی و بنفش.

اما در این بین یک رنگ بیشتر از بقیه مورد توجه است و آن رنگ فیروزه ای با لایه هایی به رنگ سبز آبی، یعنی رنگ سال جدید میلادی ۲۰۲۰، رنگ مرجانی سفید می باشد که یکی از رنگ های شاد و سرزنده است که این رنگ با الهام از طبیعت، دریا و ساحل انتخاب شده است.



سفید مرجانی رنگی زیبا و آرام کننده و ترکیبی از رنگ سفید و سبز کمرنگ یا سبز آبی است. این رنگ شما را به یاد اقیانوس ها و زندگی دریایی می اندازد. کارشناسان رنگ پنتون معتقدند که این رنگ ها دوستانه و قابل اعتماد هستند.

بهترین رنگ ها برای ست کردن:

زرد طلایی باستانی نیز در کنار رنگ سبز سال ۲۰۲۰ و آبی ملیح ترکیب زیبایی به وجود می آورد. رنگ نارنجی کثیف از رنگ های سال ۲۰۲۰ و رنگی پرانرژی است که در کنار رنگ سفید مرجانی ترکیب زیبایی را به وجود می آورد.

روشنفکرها بدن زن رو چی می بینید که همیشه باید عریان باشه؟

عکس ها رو نگاه کنید

می بینید که در مراسمات یکسان، زنها برهنه ترند.

و این قضیه جایی عجیب میشه که حتی در عرصه ورزش، لباس ورزشی خانم ها بازتر و کمتر از آقایانه!



این وضعیت، علاوه بر تناقض روشنفکرانها و فمینیست ها، یک پیام مهم هم داره و اون اینکه "زن دنیای امروز" حتی اگر هنرمند و ورزشکار باشه، حتی اگر اسکار بگیره و مدال بیاره باز هم تا برهنه نشه شایستگی توجه نداره. زن امروز اگر مثل مردها پوشیده باشه و سکسی نباشه مورد قبول نیست.

جالبه این افراد که حجاب زنان ورزشکار ایرانی رو مسخره می کنند

هیچوقت لباسهای تنگ زنان ورزشکار دیگه رو مسخره نمی کنند و نمی پرسند یک ورزشکار زن، چرا باید موقع مسابقه لباس به این تنگی چسبندگی کنه؟ یا برخلاف مردها ۸۰ درصد بدنش لخت باشه؟

می دونید مدعیان روشنفکری در دنیای امروز با نگاه جنسیتی مشکل ندارند. با نگاه جنسیتی ای مشکل دارند که جلوی حظ مردها رو بگیره. با پوششی که علیه مردسالاری باشه مشکل دارند...

سالهاست که رسانه های دنیا دارن روی موضوع تبعیض جنسیتی کار می کنند و فمینیست ها سعی دارن ثابت کنند که زن و مرد فرقی با هم ندارند و بدنشون هم مثل همدیگه ست. و اینکه ما قائل به پوشش بیشتر برای خانم ها هستیم ناشی از نگاه جنسیت زده ماست هشتک #نه_به_سکسیسم

راه می اندازند و میگن همون طور که بدن مرد ابژه جنسی نیست بدن زن هم نیست و با همین استدلال حجاب رو یکی از نمادهای نگاه جنسیتی و ابزار سرکوب زن می دون اما این یکسان انگاری زن و مرد گویی فقط تا جایی کار می کنه که علیه حجاب باشه

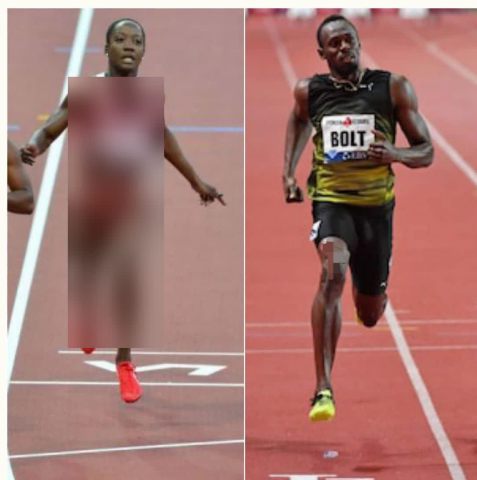
چرا اینو میگم؟ چون درست در همین زمان که رسانه ها تلاش میکنند بگن با نه گفتن به سکسیسم دیگه نیازی به حجاب یا پوشش بیشتر نیست ما داریم می بینیم که

در دنیا، در اکثر عرصه های مهم مثل ورزش و سینما و مراسمات، پوشش زن و مرد فرق داره و اغلب زن ها عریان ترند.

خب سوالی که پیش میاد اینه: اگر بدن زن و مرد با هم فرقی ندارند پس چرا زنها معمولا لخت ترند؟

شما که قائل به برابری هستید و همه تفاوت ها رو انکار می کنید چرا علیه این نابرابری واضح و فراگیر وارد جنگ نمی شید؟

اگر ما مسلمان ها، بدن زن رو ابژه جنسی می بینیم و می گیم باید پوشیده باشه، شما



مدافع سلامت نرجس خانعلی زاده

آب و خاک صحنه رشادت‌ها و مجاهدت‌های زیادی بوده. نام بردن ساده نیست که خیلیا از قلم می‌افتند. از رزمنده‌های میدان جنگ گرفته تا آتش نشان و مرزبان و پزشک و دانشمند و معلم و جهادگر و ورزشکار و حتی سیاستمدارانی که شجاعانه ماندند و جنگیدند برای مردم. امروز جامعه پزشکان و پرستاران کشور کانون همبستگی و ایثار شده تا با کمک سایر اقشار مردم کار بزرگی صورت دهند.

شهید مدافع سلامت نرجس خانعلی زاده پرستار بیست و پنج ساله اهل کلاچای پس از ابتلا به کرونا آسمانی شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.



بی‌قرار توام و در دل تنگم گله‌هاست
آه! بی‌تاب شدن عادت کم حوصله‌هاست

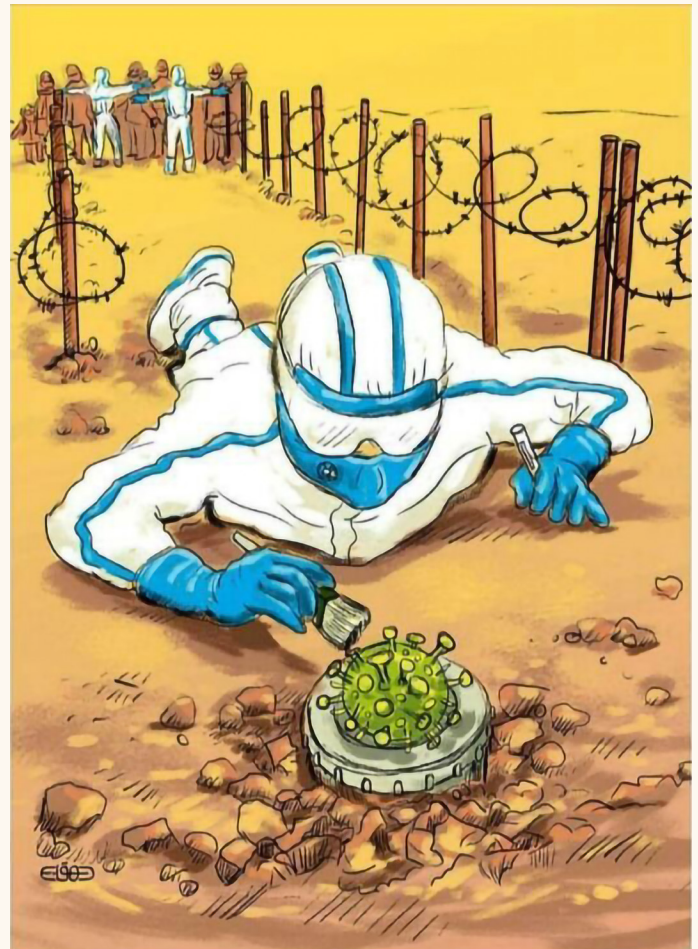
مثل عکس رخ مهتاب که افتاده در آب
در دلم هستی و بین من و تو فاصله‌هاست

آسمان با قفس تنگ چه فرقی دارد
بال وقتی قفس پرزدن چلچله‌هاست

بی تو هر لحظه مرا بیم فروریختن است
مثل شهری که به روی گسل زلزله‌هاست

باز می‌پرسمت از مسئله دوری و عشق
و سکوت تو جواب همه مسئله‌هاست

فاضل نظری



شناسنامه:

گاهنامه دخترانه حورا- شماره ی اول- فروردین ۹۹
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: زهرا عیوض
سردبیر: فاطمه اعتمادی
طراح و صفحه‌آرا: امیرمحمد علیزاده
هیئت تحریریه: زهرا عیوض، فاطمه اعتمادی، مهسا قادری، زینب عیوض